

گفت‌وگو با حسین ابری مسوول ورکشاپ‌های کانون

خواستیم یک قدم پیش برویم

حسام‌الدین مقامی کیا



عکس از نایم‌نگار

کارگاه ما به صورت مؤلف تربیت می‌شدیم. خود من تا سال ۶۳ بازی هم می‌کردم. ولی احساس کردم فیلمنامه‌ها خیلی اشکال دارد و فکر کردم اگر فیلمنامه خوب، دست بازیگر برسد، بازی می‌کند. مهم این است که فیلمنامه درست بشود. به این ترتیب بعد از انقلاب هم اولین ورکشاپ را با سعید ابراهیمی فر و اصغر عبداللهی و چند نفر دیگر راه انداختیم. گاهی اوقات هم دوستان اهل قلم مثل محمود دولت‌آبادی یا محمد محمدعلی در جلسات ما شرکت می‌کردند. حرف ما این بود که اگر بتوانیم در طول سال، فقط پنج فیلمنامه خوب تولید کنیم، یعنی مطمئناً پنج فیلم خوب داریم. تکنولوژی سینمای ما نمی‌توانست حرف خیلی جدی‌ای بزند. منظورم از تکنولوژی، رشد ابزار است نه بحث تفکر. دو سه سال تلاش کردیم، ولی به دلایل مختلف نتوانستیم دوام بیاوریم. آن سال‌ها ممیزی خیلی سخت‌گیرانه بود و غالب نوشته‌های ما رد می‌شد و بعد از مدتی بچه‌ها مأیوس می‌شدند. فقط من ماندم و سعید ابراهیمی فر که نار و نی را راه انداختیم و اولین فیلمنامه‌مان «مأموریت را ۱۵۰ هزار تومان فروختیم. من به دلیل این که تجربه کرده بودم، می‌دانستم که بده‌بستان در کار ورکشاپی خیلی می‌تواند در جریان فیلمنامه و نمایشنامه تأثیر بگذارد.

پس به نظر شما چرا فیلمنامه‌هایی با نویسندگان مشترک در سینمای ما کم است؟

متأسفانه یک‌سری بیماری‌هایی در جامعه ما هست که نمی‌گذارد آن طور که باید، یک جریان در یک مدت زمان طولانی شناور باشد.

متأسفانه در کشور ما وضع طوری است که من هر چقدر هم از شما بیشتر بدانم، نمی‌توانم به شما بگویم: من فلان چیز را می‌دانم، بیا یادش بگیر. همه می‌گویند که منم و جز «من» نیست. به همین دلیل است که کارگاه‌ها خوب شکل نمی‌گیرد و گروه‌ها مدت زمان زیادی با هم کار نمی‌کنند، یا به حقوق همدیگر احترام نمی‌گذارند.

ورکشاپ‌هایی که اخیراً کانون فیلمنامه‌نویسان می‌خواهد راه بیندازد، جنبه آموزشی دارد یا برای تولید سازمان‌دهی شده؟

ما از چند نفر - حتی افراد خارجی - دعوت کردیم که برای آموزش دادن بیایند، ولی مشکلاتی به وجود آمد. قصد ما این بود که فیلمنامه‌نویسان ما یک قدم جلوتر بروند. می‌گویند ابوسعید به مجلسی برای سخنرانی رفته بود. دیگر جای خالی نمانده بود و جمعیت برای ورود فشار می‌آوردند. یکی از شاگردها برای این که جا باز شود، گفت: لطفاً هر کسی از هر جا که هست برخیزد و یک قدم جلوتر بیاید. ابوسعید گفت: من دیگر حرفی ندارم. حرفی که من می‌خواستم طی چند ساعت بزنم، شاگردم در یک جمله گفت.

این قدم به جلو برای فیلمنامه‌نویسان در کانون برداشته شد؟

چند گزینه مطرح کردیم که عملی نشد. گفتیم ترکیبی از گزینه‌ها را بگذاریم. ما گفتیم از دیدگاه فیلمنامه به چیزی که اصلاً توجه نشده توجه کنیم. سینمای کشور خودمان هم به هر حال یک روند رو به رشدی داشته. ما بیاییم به سینمای

کسی که به قول خودش با «ورکشاپ» بزرگ شده، حالا هم مسئول تمام ورکشاپ‌ها و سمینارهای کانون فیلمنامه‌نویسان خانه سینماست. حسین ابری جزو فعالان نخستین ورکشاپ یا کارگاه نمایشی ایران بوده؛ از هم‌دوره‌های فرخ غفاری، بیژن مفید، فریدون رهنما، آتیلا پسیانی، کیانوش عیاری و سوسن تسلیمی در کارگاه نمایش.

کارگاه نمایش از ابری یک مؤلف ساخت. همین شد که ابری در اوج دوره بازیگری‌اش در سال ۶۳ وقتی که دید کمیت فیلمنامه این سینما به شدت لنگ است، رخت بازیگری از تن کند و کسوت فیلمنامه‌نویسی را انتخاب کرد. او و هم‌راهانش در کانون فیلمنامه‌نویسان می‌خواهند کارگاه‌ها را این بار در سینما احیا کنند. گفت‌وگوی ما با حسین ابری درباره اولین گام این احیاء است؛ ورکشاپ‌هایی که قرار است از پاییز کلید بخورند.

ایده ورکشاپ‌ها از کجا آمده؟

جابر قاسمعلی که از اعضای شورای مرکزی است، علاقه‌مند بود نمایش فیلم داشته باشیم. من و فرهاد توحیدی به نشست‌های علمی بیشتر تمایل داشتیم. این ورکشاپ‌ها تلفیق این دو علاقه است. از حدود سال ۷۴ که من به عنوان سردبیر، فیلم و قلم را با همکاری آقای قاسمعلی درمی‌آوردم، قصدمان این بود که برای ارتقای کیفی فیلمنامه، یک‌سری ورکشاپ بگذاریم. من که اصلاً با ورکشاپ بزرگ شده‌ام؛ قبل از انقلاب تنها ورکشاپی که در کشور بود، «کارگاه نمایش» بود که من آنجا کار می‌کردم. این کارگاه، مهم‌ترین تجربه‌های تئاتری این ملک را به وجود آورد. در آن

خودمان توجه کنیم و این روند را از ابتدا دنبال کنیم. مثلاً وقتی از سینمای اقتباسی صحبت می‌کنیم، عبدالحسین سینتا هم فیلم اقتباسی ساخته، گاهی به آسمان نگاه کن هم فیلم اقتباسی است. ببینیم چه روندی طی شده؟ چه رشدی صورت گرفته؟ البته محدودیت‌هایی هم داریم. من فکر می‌کردم خیلی از فیلم‌ها در فیلمخانه ملی هست، ولی این طور نیست و خیلی از فیلم‌ها از بین رفته.

یعنی ورکشاپ‌های شما به موضوع اقتباس می‌پردازد؟

ما از پنج منظر به قضیه نگاه می‌کنیم. اولی، اقتباس سینمایی است، که از دهه ۳۰ تا دهه ۸۰ برای آن فیلم داریم و می‌توانیم برای شش دهه، شش جلسه برگزار کنیم و شش فیلم نشان بدهیم. دوره‌ها را سه ماهه بسته‌ایم و قرار است هر دو هفته، یک فیلم نشان بدهیم.

پس در واقع چیزی که قرار بود با عنوان باشگاه نمایش فیلم در کانون فیلمنامه‌نویسان داشته باشیم، با ورکشاپ درآمیخته شده؟

دقیقاً! برای این که هم تأثیر کیفی خوبی بگذارد و هم آنهایی که برای نمایش فیلم آمده‌اند و دوست دارند، می‌توانند بمانند و بحث‌ها را گوش کنند. حتی اگر چهار تا جمله کسی هم به دیگری برسد، خوب است.

این امکان فقط مخصوص اعضای کانون است؟

اعضای کانون، دانشجویان سینما و دوستانی که به هر حال با سینما مرتبط باشند. ما عضوگیری می‌کنیم تا در یک فضای بسته برای عده‌ای که فیلمنامه دغدغه آنهاست، این برنامه را داشته باشیم.

بعد از پایان هر دوره، چیزی به عنوان گواهی پایان دوره هم در اختیار شرکت‌کنندگان می‌گذارید؟

نه، ما که حاضر غایب نمی‌کنیم که ببینیم کی بعد از دیدن فیلم رفت یا کی ماند. مهم‌ترین چیز برای ما این است که بگوییم: این فیلمی که دیدید، یک حرف‌هایی هم می‌توانیم درباره‌اش بزنیم.

تاریخ شروع این جلسات مشخص شده؟

بله، پانزدهم مهر اولین جلسه خواهد بود.

بعد از اقتباس سینمایی سراغ چه موضوعی می‌روید؟

ما در دوره دوم روی فیلم‌هایی کار می‌کنیم که «ساختار روایی»شان خیلی مهم است.

در همه دوره‌ها فیلم‌ها را به ترتیب تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهید؟

دقیقاً. شش دهه را بررسی می‌کنیم. شخصاً دلم می‌خواست از اول سینما شروع می‌کردیم، ولی خیلی از فیلم‌ها در دسترسمان نیست.

از آرشو صد او سیما کمکی نگرفته‌اید؟

هنوز نه. داریم در فیلمخانه ملی می‌گردیم ببینیم چه چیزهایی می‌توانیم پیدا کنیم. شاید بتوانیم از تهیه‌کننده‌هایی که بعضی فیلم‌ها را داشته‌اند چیزهایی بگیریم. به هر حال داریم تلاشمان را می‌کنیم.

به رسانه‌ای کردن این جریان فکر کرده‌اید؟ مثلاً این که تلویزیون بخشی از این ورکشاپ‌ها را پوشش بدهد یا حتی فیلم و بررسی آن را هم پخش کند.

ما سعی می‌کنیم از این جلسات و گفت‌وگوها فیلم بگیریم، ولی قطعاً در پایان هر دوره، کتاب مربوط به آن چاپ می‌شود و به همه حاضران هر دوره یک جلد از این کتاب داده خواهد شد.

محتوای خود جلسه‌ها کتاب می‌شود؟

بله، جلسه به جلسه گفت‌وگوها مکتوب می‌شود.

سخنران‌ها مشخص شده‌اند؟

سعی ما این است که فیلمنامه‌نویس هر فیلمی که پخش می‌شود - اگر در دسترس باشد - به همراه یک منتقد حضور پیدا کند.

می‌خواستم یک پیشنهاد بدهم؛ جاهای مختلفی جلسات نقد و بررسی می‌گذارند که بعضاً خود فیلمنامه‌نویس یا عوامل دیگر هم حضور دارند. در بحث‌های فی‌البداهه، صحبت‌ها معمولاً به حاشیه کشیده می‌شود. چه خوب بود قبل از جلسه با سخنرانان هماهنگی بشود تا حتی آنها بتوانند برای سخنرانی‌شان یک طرح درس ارائه بدهند و به جای پراکنده‌گویی، مقاله ارائه کنند.

این فکر خوبی است، ولی غالباً بخش روشنفکری سینمای ایران به خصوص فیلمنامه‌نویس‌ها و منتقدان خیلی اهل صحبت‌اند و به هر حال به جاده خاکی می‌زنند! ولی باید از کسی استفاده کنیم که یک مقدار بحث را کنترل کند و اگر دید بحث دارد به بیراهه می‌رود، آن را به نقطه اصلی برگرداند.

بعد از ساختار روایی سراغ چه موضوعی می‌روید؟

شخصیت، گفت‌وگو نویسی و در آخر به گونه‌های غالب در دوره‌های مختلف سینمای ایران می‌پردازیم. در هر دوره‌ای به دلیل جو سیاسی، شرایط اجتماعی و هزار و یک مسئله دیگر، یک گونه خاصی از فیلم غالب شده. می‌خواهیم یک بررسی تحلیلی بکنیم و ببینیم که چرا این گونه‌ها غالب شده‌اند.

مدنظران نبوده که در کنار این پخش آموزشی، در پایان هر دوره یک خروجی تولیدی هم از شرکت‌کنندگان بگیرید؟ مثلاً این که چند گروه تشکیل بشوند و فیلمنامه‌های مشترک بنویسند.

ما دو سه بار خیز برداشتیم که این ورکشاپ‌ها را راه بیندازیم، ولی عملاً دلایل زیادی پیش آمد که باعث شد تا حالا انجام نگیرد. امیدوارم بشود. من شخصاً اعتقاد بر این است که دو نفر بهتر از یک نفر فیلمنامه می‌نویسند و حتماً سه نویسنده بهتر از دو تاست. گو این که در این جلسه، «من»ها بزرگ‌تر از اشخاص هستند. انسان اگر خودش بزرگ باشد، احتیاج ندارد بگوید «من». وقتی بزرگ هستی، بزرگی. یک پدر و مادر اگر به بچه‌شان فکر کنند، با هم دعوا نمی‌کنند. ولی اینجا متأسفانه این طور نیست. ما معمولاً در کارهای گروهی موفق نبوده‌ایم. تازگی‌ها فوتبال و والیبال و بسکتبال ما دارد شکل می‌گیرد. ما قبلاً اصلاً اینها را نداشتیم، ولی مثلاً در کشتی خیلی خوب بودیم. چون فردی بود و «من» وجود داشت. ما تا به نقطه سلامت برسیم، خیلی کار داریم. سینما بچه ماست و این بچه واقعاً دارد از بین می‌رود.

تا الان چند فیلم را توانسته‌اید برای نمایش آماده کنید؟

ما تقریباً تمام فیلم‌های بخش اقتباسی را آماده کرده‌ایم. فقط برای یکی از آنها مشکل داشتیم که قرار است از بین چند تا فیلم، ببینیم و انتخاب کنیم.

کسانی هستند که بخواهید از آنها دعوت رسمی بکنید تا در جلساتتان حضور داشته باشند؟ مثلاً فکر کنید که اگر فلان مسئول از یک سری مسائل تخصصی آگاه شود، برای کل سینما خوب است.

ما اصلاً چند ردیف برای این افراد گذاشته‌ایم. چون هر چقدر مسئولان سینما و تلویزیون ما رشد بیشتری بکنند، می‌توانند در زمینه خودشان مؤثرتر باشند. برای خود ما هم ارزش دارد، چون ممکن است مهمان ما نظری داشته باشد. ما می‌خواهیم بده‌بستان داشته باشیم. به هر حال هر نفس تازه‌ای می‌تواند به این جریان، زندگی تازه‌ای بدهد. کار ما در کانون فیلمنامه‌نویسان، قدم اول است. خیلی قدم‌ها می‌شود برداشت. ما باید بتوانیم برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تری بکنیم. من امیدوارم با همکاری خانه سینما و دوستانمان در صنف‌های دیگر سینمایی، خانوادگی به سینما فکر کنیم. یک قدم ما برداشتیم، یک قدم آنها بردارند. یا حتی دست به دست همدیگر بدهیم و یک قدم با هم برداریم. این خیلی عالی می‌شود. می‌شود همان حرف ابوسعید.